

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.338199.3365>

### Abstract

The first issue of Kaveh Batlash and the management of Seyed Hassan Taghizadeh was published in Persian on the 3rd of Bahman 1294 in Berlin, Germany. This magazine was one of the most important sources on archeology in Iran. The publication of Kaveh is the result of the frustration of writers and intellectuals of the constitutional era with the realization of the slogans of the constitutional movement .A regular issue was published monthly in the form of an analytical monthly in Berlin, and unlike the first period, which had a purely political approach, this time the magazine was published with a critical approach to Iran's socio-political issues and an intellectual approach. Kaveh newspaper believed that Iran's decline in the field of science, culture and even morality has caused our country to be one hundred thousand miles behind the civilized nations of Europe.

Keywords: Kaveh newspaper, people, social strata, government

**دیدگاه نویسندگان روزنامه کاوه نسبت به اقشار اجتماعی ایران**تالیا احمدی<sup>۱</sup>رضا شعبانی<sup>۲</sup>غلامحسین زرگری نژاد<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۶/۲/۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۲/۵/۱۴۰۱

**چکیده**

اولین شماره نشریه کاوه باتلاش و مدیریت سیدحسن تقی زاده در روز سوم بهمن ۱۳۹۴ ش به زبان فارسی در برلین آلمان منتشر شد. این مجله از جمله مهم ترین منابع پیرامون باستان‌گرایی در ایران به شمار می‌آید. انتشار نشریه کاوه نتیجه سرخوردگی نویسندگان و روشنفکران عصر مشروطه از تحقق شعارهای نهضت مشروطیت قلمداد شده است. این نشریه در دوره دوم که از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ ه. ق. به طور منظم هر ماه یک شماره منتشر می‌شد در قالب ماهنامه‌ای تحلیلی در برلین آغاز گردید و برعکس دوره نخست که رویکردی صرفاً سیاسی داشت، این بار مجله با رهیافتی انتقادی به مسائل اجتماعی — سیاسی ایران و با رویکردی روشنفکرانه منتشر می‌شد. نویسندگان روزنامه کاوه معتقد بودند که انحطاط ایران در عرصه علمی، فرهنگی و حتی اخلاقی باعث شده است که کشور ما صد هزار فرسنگ از ملل متمدن اروپا عقب بماند.

کلید واژگان: روزنامه کاوه، مردم، اقشار اجتماعی، حکومت

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استاد، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استاد گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

موضوع روزنامه کاوه در دوره جدید کاملاً متفاوت با مباحث مطروحه در دوره قدیم است. گرچه استقلال این روزنامه در تغییر مباحث بی تأثیر نبوده، گذار از برهه ای حساس و لمس نتایج جنگ جهانی نیز در ایجاد نگرش جدید نویسندگان روزنامه کاوه تأثیر داشته است. در بیشتر شماره های جدید، ملت و مردم مورد توجه نویسندگان کاوه هستند و گرچه از دولت و حکومت هم گفته می شود اما دیدگاه اصلی روزنامه معطوف به طبقات مختلف است. به عبارت دیگر در دوره جدید مباحث و موضوعات روزنامه، از سیاسی به اجتماعی تغییر کرده است. گنجاندن چنین فصلی در رساله این مزیت را دارد که می توان تاریخ را از زاویه ای جدید بررسی کرد. در نگاه از پایین به تاریخ، منافع و چشمداشت ها و سیاست ها نقشی ندارند و همین موجب می شود به شناخت دقیق تری از تاریخ دست یابیم. از طرف دیگر نویسندگان روزنامه کاوه گرچه بطور تخصصی مردم شناس نبودند ولی بعنوان روشنفکران و متخصصین تحصیل کرده در جایگاه مردم نگار بوده اند و روزنامه کاوه بستری مناسب برای تدوین این مردم نگاری ها بوده است. گرچه نویسندگان کاوه در مواردی هم دست به تحلیل رفتارهای اجتماعی زده اند ولی اگر ذکری از آن تحلیل ها شده به مثابه پذیرش آنها نیست.

روزنامه کاوه

نویسندگان کاوه دو اصل هویت ساز از لحاظ تاریخی را بیان کرده اند. هویت از این بُعد هم معطوف به باستان گرایی و هم ارزش های معنوی و اسلامی است که بر عدم تضاد و تعارض میان آن دو تأکید شده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۱۲). همچنین تأکید شده که نباید هویت مشترک ایرانیان به دشمن تسلیم شود. حس باستان گرایی و اسلام گرایی در دوره قدیم روزنامه تقریباً در توازن و در موازات هم هستند نه تقابل یا تضاد. ایرانی ها در روزنامه کاوه چه در دوره باستان و چه عصر اسلامی داری هویت مشترک جهانگیر و جهانگشا معرفی شده اند. در واقع نویسندگان کاوه هویت ایران در عصر باستان و اسلام را هم سو و در یک جهت بیان کرده اند (کاوه، ۱۳۸۴: ۲۱). در دوره قدیم انتشار کاوه بحث های باستان گرایی به جهت حس ناسیونالیستی بیان نشده اند و در تضاد با مسلمانان عرب و ترک نیستند حتی بر اتحاد عرب و ترک و ایرانی بعنوان مسلمان در مقابل دشمنان تأکید شده است چرا که پذیرش دین اسلام باعث شده که هویت مشترکی بین آنها ایجاد شود (کاوه، ۱۳۸۴: ۱۶). بعلاوه این که روزنامه کاوه در هواداری از خواسته های مشروطه خواهان هویت ایرانی و اسلامی را قابل تفکیک نمی داند و علت اصلی در آویختن با کشورهای دیگر را تجاوز به خاک ایران که نماد هویتی آنهاست عنوان کرده اند. در تأیید اظهارات پیشین می توان به نظر قوام العلامی کرمانشاهی رجوع کرد که از پیشروان مشروطه بود. او معتقد است استقلال و مذهب دو امر کاملاً وابسته به یکدیگر هستند و اگر یکی از آنها از بین برود از دیگری هم نشانی باقی نمی ماند (کاوه، ۱۳۸۴: ۲۵۷).

از طرف دیگر همزمان با دوره جدید انتشار کاوه به دلیل تحولات جدیدی که در نتیجه جنگ جهانی در منطقه شکل گرفت نظریات جدیدی توسط نویسندگان کاوه مطرح شد. تا پیش از آن اتحاد اسلام و مسلمانان از شروط اساسی ترقی عنوان شده بود ولی اینبار بحث شیعه و سنی نیز به میان آمد به این دلیل که جمعی از سنی مذهبان سیاسی در میان شیعیان شروع به تبلیغ کردند که بیابید سنی و شیعه را کنار بگذاریم زیر اتحاد

اسلام برویم درحالی که قفقاز سنی شد. به عقیده نویسندگان کاوه درحقیقت نتیجه اتحاد اسلامی سنی شدن شیعیان و مستهلک شدن این فرقه در آن یکی است. چیزی که به اسم اتحاد اسلام از آن یاد شده در واقع مستهلک شدن شیعه در درون مذهب سنی است مثل اختلاف انگلیس و ایرلند که از همین قسم است البته از نوع سیاسی نه مذهبی (کاوه، ۱۳۸۴: ۶۰۵). مشخص می شود که هویت اسلامی ای که مورد نظر کاوه است، همان تشیع است به این ترتیب اتحادی که باعث مستهلک شدن شیعه در مذهب اهل سنت شود را روانی دارد. با تمام این اوصاف هنوز هم روزنامه کاوه بر هویت مشترک ایرانی و اسلامی ملت ایران اصرار ورزیده و بر برخی از مفاهیمی که بعد از مشروطه در میان مردم رواج یافت خرده گرفته است. بن نظر می رسد بعد از مشروطه خرده گیری جوانان بر ایران زیاد شده است. در روزنامه کاوه این جوانان با صفت فرنگی مآب ذکر شده اند و از اینکه هویت آنها در معرض خطر است ابراز نگرانی شده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۴۷). تقی زاده مدیر اصلی روزنامه کاوه سرتا پا فرنگی شدن را به شرطی عامل برای پیشرفت و ترقی می داند که شاخص های هویتی مان را حفظ کنیم و مثال گویایی که در این باره ذکر کرده ژاپن است. با مطالعه کامل و دقیق روزنامه کاوه می توان دریافت که نویسندگان این نشریه بخصوص مدیر آن تقی زاده هرگز روند اسلام ستیزی را در پیش نگرفته اند و هر جا از ایران و ایرانی سخن رانده اند هویت مشترک ایرانی - اسلامی مورد نظر آنها بوده و به هیچ وجه یکی از وجوه باستان گرایی یا اسلام گرایی به طور مستقل را در مورد هویت ایرانیان درست نمی دانستند. اما آنچه که آنها را ناخشنود می کرد افراط گرایی ایرانیان بود. این انتقادات تنها مربوط به وجه اسلامی نبود بلکه از باستان گرایان افراطی نیز انتقاد شده است. آوردن نمونه ها و تمثیل های داستانی در روزنامه مذکور سوای از افسانه بودن یا تاریخی بودن به منظور تأکید بر این موضوع است که معرفت اجتماعی در ایران بسیار پایین بوده است. ناامیدی نویسندگان کاوه از نتایج مشروطه در ایران در مقالات درج شده در کاوه بخصوص دوره جدید کاملاً مشهود است. دلیل اصلی این ناامیدی آن است که بعد از برقراری مشروطه باز هم مشکلات پیشین در جامعه ایران باقی است و کماکان با آنها دست و پنجه نرم می کنند. به گفته روزنامه کاوه مخترع و کاشف مسئله علمی به آمریکا عزیمت می کند و رمال و دعانویس و غیبگو به هند و مراکش می روند و روضه خوان ها به تبریز می آیند و شیادان و دزدان و اسباب دسیسه چین هم به تهران می آیند. داستانی که بر این ادعا صحه می گذارد ورود فقیهی عالم نما به روستایی است که آخوندی در آنجا با پشتوانه رمالی آن فقیه مورد تأیید مردم قرار می گیرد و برگزیده می شود (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۸۴)؛ این قضیه مصداق دارالسلطنه ها و تهران هم هست. میزان و ترازوی تشخیص و تحقیق درجه ی فهم اجتماعی را با فزونی و کاستی و تجلی و ساقط شدن عالمان و شیادان و لافزنان و مدعیان جاهل می توان سنجید.

### طبقات اجتماعی ایران

هر جامعه ای متشکل از طبقاتی است که زندگی اجتماعی آن جامعه را شکل می دهند. شناخت دقیق طبقات محقق را به درک عمیق تری از هر جامعه می رساند. با مطالعه و بررسی مقالات منتشر شده در روزنامه کاوه می توان طبقات آشکار و پنهان در جامعه ایران را شناسایی و تجزیه و تحلیل کرد. عمومی ترین و آشکار ترین طبقات در جامعه ایران که بازتاب آن در منابع آشکار است شمال طبقات حاکم و رعیت، شهرنشین و روستا نشین و ایل های کوچ رو هستند که در دوره قاجار تعداد شهرها اندک و مناطق روستا نشین و سعت بیشتری داشت بعلاوه اینکه ایل ها از قدرت بالایی برخوردار بودند.

در روزنامه کاوه با دو طبقه عامه و شهرنشین مواجه می‌شویم. طبقه عالی شهرنشین چنانچه انتظار می‌رود به امور اصلاح مملکت توجهی ندارند. به گفته روزنامه کاوه شهرنشینان مرفه دغدغه اصلاح و بطور کلی وطن را ندارند و فقط می‌خواهند از خوشگذرانی و عیاشی‌های فرنگ متمتع شوند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۰۷). در روزنامه کاوه در مورد اندیشه عمومی طبقه عامه چنین آمده که عامه مردم را نمی‌توان در حد اعتدال نگه داشت و همیشه افراط یا تفریط دارند مثل سیاست‌پیشگی و نفرت از سیاست. در بیست سی سال قبل - تقریباً قبل از مشروطه - عامه هیچ خبری از سیاست مملکت نداشتند و حتی دستی هم در جریانات نداشتند اما بعد از مشروطه برعکس شده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۶۰۶).

گروه دیگر با سوادان و ترقی‌دوستانی هستند که تنها اصلاح امور عامه از آنها انتظار می‌رود و به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای چنان خودپسندی ملی مفرطی دارند که وطن‌پرستی را دوست داشتن تمام و کمال عادات و آداب وطن خود می‌دانند و سعی در اثبات مزیت ایران از هر جهت دارند چون هدفشان این است که بگویند ایران از خیلی جهات بر ملل متمدن فائق است. ناامیدی نویسندگان کاوه از این قشر که اهل سواد و نخبه به حساب می‌آیند اما با کوه نظری و بی‌خبری و عوام‌زدگی معتقدند که جنگ عمومی دنیا بر سر معدن فیروزه نیشابور است و به تمدن اروپایی و به اوضاع جهان بی‌اعتقاد و بی‌اطلاع هستند امید برای اصلاح نمی‌بینند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۰۷). ویژگی این گروه آن است که خاک کشور را در منجلا ب و مزبله گذاشته‌اند و فقط از استقلال آن دفاع می‌کنند. دسته دوم که عده آنها بسیار محدود است همان افراد با معرفت و باهوش هستند که فرق عظیم زندگی ما و اروپا را دریافته و تفوق تمدن یونانی و سیاق زندگی مملکت را بر سیاق زندگی شرقی و بدوی و چادرنشینی دریافته‌اند. تنها می‌توان به این گروه امیدوار بود که می‌توانند برای اصلاح مملکت قدم بردارند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۰۶). بنا بر آنچه در روزنامه کاوه م‌شهود است پیش از اینکه این گروه باهوش و وطن‌پرست بعد از انقلاب سیاسی ۱۳۲۴ شکل بگیرند، از حدود سی سال پیش از آن کسانی که سمت دولتی یا آخوندی داشتند وزیر شناس و شاه شناس و یا امام جمعه شناس بوده و بقیه رعیت بودند. به این معنا که قشر متخصصی وجود نداشته و به همین دلیل این گروهها با نفوذی که داشتند در همه امور تصمیم‌گیرنده بودند.

یکی دیگر از طبقات با نفوذ در جامعه روضه‌خوان‌ها هستند. دید منفی به این جماعت در روزنامه کاوه عیان است. روضه‌خوان‌ها به عنوان ملاهای بی‌دین منکر مذهب قلمداد شده‌اند که در ایران بسیار زیاد هستند. هشتاد درصد روضه‌خوانهای عیاش و کلاش و طلاب فرنگی مآب و آخوندهای چشم و گوش باز از این قبیلند. شبها با صرف تریاک و حشیش و شراب و سب‌انیا منکر تمام عصمت شده و روزها بر منابر مردم را به سخره می‌گیرند و بدین طریق مخارج عیاشی را تحصیل می‌کنند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۵۵). همچنین در مورد تبعات نفوذ این گروه تقی‌زاده چنین تحلیل کرده که پیش از مشروطیت شهرت و حرمت برای فقها و اهل محراب و منبر بود و نقل مجالس و محافل ذکر حرکات و فرمایشات واعظان بود برای همین هم بچه‌ها از ده سالگی مشق منبر رفتن کرده و در خانه تقلید روضه‌خوانهای معروف را در می‌آوردند. علمای روحانی مقام پیشنمازی و واعظی را محض ثواب انجام نمی‌دادند بلکه هدفشان قبول عامه و اقبال مریدان بوده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۹۵). چنان که در روزنامه کاوه آشکار است از انقلاب سال ۱۳۳۴ اشتغال به سیاست یعنی مداخله در

۱. مثالهای زیادی درباب این جماعت در کاوه بیان شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: دوره جدید انتشار کاوه، ص ۴۰۶

چگونگی حکومت و پیشوایی ملت گسترش یافت و هر شخص باهوش و با استعداد در این خط افتاد که هم موجب شهرت و احترام بود و هم وسیله منصب و مقام بعلاوه اینکه هدف اصلی آنها شهرت پرستی و هوس تحصیل قبول عامه بود و اگر می دانستند که یک جایی می توانند کار مفیدی انجام دهند و اگر بی سر و صدا باشد نمی پذیرفتند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۹۵). از طرف دیگر وکلا و نمایندگان در مجلس هستند که بعد از مشروطه با هزاران امید شکل گرفت. به گفته روزنامه کاوه اکثر این وکلا از دانش و تخصص کافی برای این سمت برخوردار نیستند.

طبقه دیگر کسانی هستند که به شغل دولتی پرداخته و کارمند دولت به حساب می آمدند. شواهد نشان می دهند این گروه وظایف خود را چنان که شایسته بود انجام نمی دادند. بعلاوه اینکه در بسیاری از موارد دریافتی هایشان بیش از خدمتی است که انجام می دهند. مثال گویای کاوه بر تأیید این امر اغتشاشی که در پست خانه های ایران بوده است. بنا بر گلایه موکلین کاوه، مأمورین اداره پستخانه کرمانشاه مقدار زیادی روزنامه کاوه را برداشته و به عطاران و سقط فروشان فروخته اند و پس از تلاشهای زیاد توسط وکیل کاوه در کرمانشاه مسترد شده است. این خبر برای انتشار دهندگان کاوه در برلین سخت بوده و قطعاً موجب سلب اعتماد عامه از پستخانه های ایران می شد (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۵۴). برای نمونه یکی از وکلای مجلس ملی اول برای نجات مملکت از قروض خارجی به مجلس پیشنهاد داد که امتیاز دفینه و گنجینه ای را که طلسم هست به او دهند تا از آن گنج قروض ایران به روس را بدهند. بسیاری در مجلس این طرح را امضا کردند که هر کدام باز از گنجی دیگر سخن می گفتند (کاوه، ۱۳۸۴: ۵۸۰). وقتی وکلا و تصمیم گیرندگان یک کشور بجای استفاده از منطق و علم برای رفع مشکلات به خرافات و طلسم و گنج روی آوردند آن کشور در مسیر قهقرا روز به روز بیشتر سیر نزولی پیدا می کند. یکی دیگر از طبقات بازاریان کلان و خرد بودند. چنان که نویسندگان کاوه ذکر کرده اند این گروه در جامعه از قدرت بالایی برخوردار بودند به همین خاطر گاهی این امکان برایشان محیا بود که برای کسب درآمد بیشتر بدون توجه به صلاحدید مملکت اقداماتی هر چند غیر اخلاقی انجام دهند. در تاریخ معاصر ایران یکی از روشهای کسب درآمد بخصوص برای بزرگان و حکومتی ها احتکار بوده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۶۲۰). بازاریان خرده فروش نیز که امکان احتکار برایشان وجود نداشت حقه ها و ترفندهایی برای فریب عامه و کسب ثروت بکار می گرفتند. برای نمونه طمع شیر فروش باعث می شد هر روز میزان آب درون آن را بیشتر کند و چون صدای مردم بلند نمی شد دوباره میزان آب را زیاد می کرد. علمای علم اقتصاد مالیات غیر مستقیم را برای اغفال مردم و صدا در نیامدن از مردم بجای مالیات مستقیم وضع کردند به همان فرار علمای علم ثروت نام شروع در ایران مثل شیرفروش از طول و عرض لباس سرباز، از مصالح لوازم کار دولتی، از مخارج کارهای دولتی و غیره برای نفع شخصی خود مرتباً کم کرده و از رعیت پول در می آورند. همه این موارد باعث افلاس اخلاق و هرج و مرج امور و بی دوامی دولت مرکزی می شد.

### جایگاه زن در ایران از دیدگاه کاوه

همزمان با اواخر دوره قاجار و مشروطه ایران در غرب حدوداً بیست سال از دایر شدن مدارس زنانه می گذرد و در شرق ژاپن در این امر پیشگام بوده است. اما در این زمان وضعیت زنان ایران چنان که از منابع مشخص می شود چندان مساعد نبوده است. وضعیت طفولیت و دخترت و زنی و مادری و زناشویی و طلاق در بدترین درجه امکان بوده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۱۶). به گفته منابع حتی مصر هم از ما جلوتر بوده چرا که خیلی ها

لزوم آزادی زن را اثبات کرده اند ولی در ایران حتی بصورت تئوریک هم اقدامی در جهت اصلاح صورت نگرفته بود. (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۲۰). تأکید روزنامه کاوه بر این است که اگر همه لوازم ترقی در ایران برپا شود ولی وضع زنان اصلاح نشود باز در میدان ترقی از دنیا عقب و عاجز خواهیم ماند. از جمله اجحافات که در حق زنان روا بوده کتک زدن او توسط مرد بوده که در روزنامه کاوه به آن اشاره شده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۶۷). جایز شمردن این امر بیشتر به دلیل تفاسیری بوده که از آیه ۳۴ سوره نساء در طول تاریخ شده است. این نوع تفسیر تحت تأثیر هژمونی مردانه بوده است ولی امروزه این آیه طور دیگری تفسیر شده که هنوز هم در برابر این تفسیر جدید مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد. بنا بر مقالات کاوه تعصبات جاهلیت صدها طلسم آهنین در مقابل آزادی زنان کشیده است. بر این امر تأکید شده که علاقمندان در جهالت عامه، شالوده آنرا به ناحق روی اساس دینی گذاشته اند که از تفسیر آیه مذکور هم این امر کاملاً روشن است.

برخی از حرفهای بی پایه درباره زنان در ایران از قرار زیر است. دانه های سرخ ذره بینی خون زن کمتر از مرد است، دماغ زن از مرد سبکتر است، قوت او کمتر است، اعصاب زن زودتر متأثر می شود، عادات ماهانه و بارداری و شیر دادن از تفاوت زن و مرد است و این عوامل را دلیلی برای دو زن گرفتن یا طلاق دادن و یا زدن زن فرض می کنند درحالیکه اینها از تفاوت های طبیعت ناشی شده اند. هنوز برای جایز و یا حرام بودن الفبا خواندن زنان بر سر و کله همدیگر می زنند درحالیکه آمریکا در سیاست مملکت حق رأی را به زنان داده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۲۰). یکی از نویسندگان کاوه قصیده ای در دفاع از زن سروده که در روزنامه درج شده که شامل موضوعات زیر می شود: انتقاد از گرفتن دو زن از روی شهوت، آزدن خاطر زنان، ایجاد تخم کینه در دو زن، نبودن علم صنع و ادب، درگیری در خانه و افزایش راهزنی و دزدی، برده گیری زنان و ندیدن روی مهر و عشق، انتقاد از کر بودن گوش مردان و توجه نکردن به حرفهای شاعر (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۲۱). با اینکه بعد از مشروطه در تهران مدارس سی برای زنان دایر شد ولی در شهرستان ها کماکان تحت تأثیر افکار جاهلی در مقابل ساخت مدارس زنانه مقاومت می کنند. با اینحال ژزی همسر جمال زاده ضمن مقاله ای خوشنودی خود را بخاطر توسعه مدارس زنانه در تهران اعلام کرده و از اینکه زنان بطالت و سستی ای که عادت شده بود را کنار نهاده اند ابراز خوشحالی کرده است. او در این مقاله اظهار کرده که برخی از مردان ترسو که ترس مضحکی از زنان آشوب طلب دارند جلوی تحصیل زنان را می گیرند غافل از اینکه احساس مسئولیت او تقویت می شود و زن و مادر بهتری خواهد بود. علم و تربیت علمی زن فقط برای نفع مملکت نیست بلکه برای سعادت و شرافت خودش است. در اروپا هم هنوز خیلی دارالتعلیم های مخصوص زنان است که چیزهای بی معنی و ناکافی به زنان یاد می دهند ولی خوشبختانه این موسسات رو به کاهش هستند. یکی از موجبات عمده ی انقیاد زن اسباب اقتصادی است که قرنهاست او را اسیر کرده چون نان خور مرد است. پس با استقلال اقتصادی می تواند بعد از درگذشتن نزدیکانش با شرافت نانی به دست آورد (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۵۳). او از زنان ایرانی می خواهد تا نصیحت زنان غرب را بپذیرند.

## دیدگاه انتقادی کاوه راجع به مردم

۲. واژه ضربت به معنای طرد کردن هم بکار می رود. تفسیر جدید از این آیه آن است که زنان را طرد کنید نه اینکه آنها را کتک بزنید.

همزمان با شروع دوره جدید روزنامه کاوه تقی زاده رویکرد انتقادی اش نسبت به عموم مردم بیشتر شده است. او در نامه ای به محمود افشار چنین نوشت که "اغلب بلکه نزدیک به تمام ایرانیان سست عنصر و مذبذب و مداهن و متملق و با تعارف و دروغگو و اهل تقیه و مدارا و به اصطلاح خودشان اهل پلیتیک هستند و هر روز به حسب مقام دارای یک عقیده که در حکم آن روز غلبه دارد می باشند و دائم مشغول دسایس و اسباب چینی و کارشکنی و آنتریگ اند" (افشار، محمود، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

### اقدامات خودجوش مردمی

همزمان با شروع دوره جدید روزنامه کاوه تقی زاده رویکرد انتقادی اش نسبت به عموم مردم بیشتر شده است. او در نامه ای به محمود افشار چنین نوشت که "اغلب بلکه نزدیک به تمام ایرانیان سست عنصر و مذبذب و مداهن و متملق و با تعارف و دروغگو و اهل تقیه و مدارا و به اصطلاح خودشان اهل پلیتیک هستند و هر روز به حسب مقام دارای یک عقیده که در حکم آن روز غلبه دارد می باشند و دائم مشغول دسایس و اسباب چینی و کارشکنی و آنتریگ اند" (افشار، محمود، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

میزان فقر چنان زیاد بود که با وجود تلاش نهادهای دولتی و مردمی باز هم کفایت نمی کرد. عده فقرای دارالمساکین همزمان با جنگ جهانی زیاد شد و گویا کمیسیون دارالعجزه که نهادی دولتی بود در صدد شده با اقداماتی مقداری از فقرا را جمع آوری کند. در همان دوران هم افراد خیر پیدا می شدند تا از شرایط نکبت بار مردم بکاهند اما باز هم کفایت نمی کرد. در همدان با دستگیری حکومت محلی هزار و شصت نفر از فقرای خرابه نشین جمع آوری شده و در چند باب کاروانسرا زندگی مرتبی برای آنها تهیه شده است. در زنجان هم یک باب المساکین به همت تجار افتتاح شد (کاوه، ۱۳۸۴: ۲۴۹ و ۲۵۰). بنا بر آنچه در منابع آمده تأثیر جنگ جهانی بر اقتصاد ایران کاملاً مشهود است چنانکه تعداد فقرا نیز زیاد شده است. در بحبوحه جنگ جهانی همزمان با حضور قشون عثمانی در ایران مساعدت ها و کمک های همدانی ها و کرمانشاهی ها برای سربازان عثمانی از جمله تهیه جوراب و دستکش و شستشوی البسه و دادن چوب درختان برای سوخت عثمانی و ساخت قبرستان مختص عثمانی ها و کمک عشایر و دهقانین برای سهولت عبور و مرور از راههای ایران دریغ نکرده اند. ایرانیان به اسرای اتریشی که از روسیه فرار می کردند نیز پناه می دادند (کاوه، ۱۳۸۴: ۲۵۶). یک سری انجمن های ملی در روستاهای کوچک و محروم تشکیل شده است. روستای بُناب در آذربایجان و روستای لیلان انجمن های ملی تشکیل داده اند. انجمنی هم در یکی از دهات گیلان بود که حد شرعی اجرا می کرد و رئیس آن آخوندی بود که به دلیل بدگویی یک نفر به انجمن او را کافر خوانده و در صدد زدن گردن او بود (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۶۸). در طول تاریخ یکی از اقدامات خودجوش وقف اموال بوده است. روزنامه کاوه از افرادی که اموالشان را وقف اقدامات بیهوده می کنند انتقاد کرده است. مثلاً از فردی گیلانی انتقاد شده که ثلث مال خود را در وصیت نامه اش برای عروسی کردن عربهای حوالی نجف و کوفه بخشیده است و انتظار می رفته به جای این کار برای تاسیس مدارس و طبع کتاب های فرهنگی و بنای مریضخانه و ... وقف کند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۳۷). انتظار روزنامه کاوه این است که هر سال از زکات و خمس و مال امام و ثلث و وقف و احسان و نذر برای تاسیس مدارس و ساخت مریضخانه استفاده شود.

برخی از تجار ایرانی خارج از کشور نیز در جهت ادامه چاپ و انتشار روزنامه کاوه در دوره جدید به مدیر آن کمک مالی کرده اند. در پی تقاضای روزنامه کاوه برای کمک به ادامه طبع این روزنامه، از دو ایرانی در بمبئی



شاهزاده نصرت الدوله و تاجری به نام محمدتقی افشار و امین‌التجار اصفهانی کمک رسیده است. اعانت برای محصلین ایرانی در برلین نیز توسط دکتر حبیب خان در پاریس و دو خانم پاریسی کمک رسیده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۷۱). تشکر روزنامه کاوه از تاجر ایرانی مقیم وین که در وصیت خود خمس دارایی را برای تعلیم و تربیت اطفال یتیم و فقیر ایرانی خواه در فرنگ یا ایران اختصاص داده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۵۵۳). بنابراین معلوم می‌شود تاجران سرمایه دار ایرانی چه در شرق و یا غرب از کمک های خود به هموطنانشان دریغ نمی‌کنند. بطور کلی برخی تاجران ایران در اقصا نقاط جهان جزو کمک‌کنندگان به ایران بوده اند.

اموری هم هستند که بدون داشتن وزارت و اداره ای مخصوص بخاطر تعلق خاطر ملت و مبلغین و مروجین گسترش یافته اند و از نظر اقتصادی بودجه‌هایشان تامین می‌شود که شامل مخارج بی حد و حساب تولید مشهد رضوی (دستگاه دولت روحانی)، مخارج طلاب فقه و اصول، تدارک خدام مشاهد عراق عرب، هزاران تکیه عزاداری محرم در کل مملکت بوده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۳۷).

### ویژگی های انحطاط اخلاقی مردم از دیدگاه کاوه

نشریه کاوه در دوره جنگ و پس از جنگ موضوعات متفاوتی را در برگرفته است با اینحال درونمایه و وجه انتقادی مقالات چندان تعارضی با هم ندارند جز اینکه نگرانی نویسندگان کاوه در بحبوحه جنگ از افتادن کشور به دست نیروهای خارجی است به همین دلیل بحث استقلال کشور در اولویت قرار گرفته است اما با خاتمه یافتن جنگ دغدغه و اولویت اصلی نویسندگان کاوه پیشرفت و ترقی ایران شد. در نشریه کاوه به دو گروه از مردم اشاره شده یکی کسانی که استقلال طلب هستند و دیگری کسانی که ترقی و آبادی مملکت را خواهند. موضوع روزنامه کاوه در بحبوحه جنگ موضوع استقلال طلبان است (کاوه، ۱۳۸۴: ۶۱). اهمیت و اولویت این موضوع به این دلیل است که اگر تحت قیمومت دول متمدن برویم مثل هند و ضعیتمان نابسامان می‌ماند ولی ژاپن در پرتو آزادی توانست هم عهد و هم پیمان انگلیس بماند (کاوه، ۱۳۸۴: ۶۳). روزنامه کاوه استقلال را مقدمه ای برای ترقی می‌داند و معتقد است در صورت وابستگی نمی‌توان به آبادانی پرداخت.

در اوان جنگ جهانی اول در ایران به جز عده ای که با اخلاص جان خود را پیشکش کرده اند بقیه ننگ فرمانبرداری از روس را بر خود پسندیده اند. مقصود و هدف اصلی این نشریه بیکار نشستن در وضعیت جنگ و تلاش برای بیدار کردن و برانگیختن هموطنان در جهت همراهی با جهاد ملی عنوان شده است. روزنامه کاوه به نقد فرمانروایان ایران پرداخته و ایران را در هشتاد سال گذشته محکوم به "بی تاریخی" کرده که ملت بدون تاریخ انقراض می‌یابد و بدبختی‌های بزرگتری در پی دارد. بی تاریخی ایران نتیجه بی حرکتی، بی قیدی و بطالت ممتد است. علت اصلی این بی تاریخی را تن پروری اولیای ایران و سلطنت ناصرالدین شاه دانسته که موجب تنبلی و غفلت و بی اطلاعی مردم از دنیای خارج شده است. بعد از آن اولیای مملکت را مورد خطاب قرار داده و از آنها انتقاد کرده که فقط به فکر مطامع مادی و معنوی شخص خود هستند و از ممالک دیگر بی اطلاعند. رجال حکومت به بی‌اعتنایی نسبت به ترقی و آبادی کشور محکوم شده اند (کاوه، ۱۳۸۴: ۹ و ۱۰). در روزنامه کاوه به تکراری بودن برخی از حوادث تاریخی اشاره شده و اینکه باید از تاریخ عبرت گرفت. بدون ایران و استقلال آن تمام دولتیان و روحانیان و صاحبان نفوذ نیز تحت سرکوبی آنان که یاورش می‌خوانند زبون می‌شوند. عدم استعداد حفظ مملکت در تاریخ صد ساله اخیر ایران به این دلیل است که قشون کشور بی صاحب است و ارتش تعلیم داده نشده است. یکی از ضعف های کشور در عدم اجبار

مردم برای خدمت نظام عنوان شده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۲۳). مشکلات ایران باعث شد برخی دلشان بخواهد بیگانگان بیایند و او ضاع را سر و سامان دهند به همین دلیل هم جلوی نفوذ روس گرفته نمی شود. از جمله مشکلات مردم در این برهه زمانی عدم وجود راه آهن، کوچه های خاکی و بدون قیرفرش، نبود تماشاخانه و قهوه خانه و مراکز عیش و حال، نبود آب زلال لوله کشی است (کاوه، ۱۳۸۴: ۶۱). همزمانی انحطاط تمدن قدیم ایران و کهنه پرستی و بی ارزشی آن در مقابل تکامل و پیشرفت تمدن جدید اروپاییان چیزی است که در این دوران احساس می شود (کاوه، ۱۳۸۴: ۱۰۷). همزمان با سال دوم کاوه، علل عدم بی طرف ماندن ایران در جنگ جهانی حساسیت و غیرت ایرانی، حس انتقام، میل مفرط به آزادی و استقلال، عملیات خارجی، نیرنگ دشمنان و وضع جغرافیایی و فساد اخلاقی بزرگان بیان شده است (کاوه، ۱۳۸۴: ۱۲۹). بنا بر آنچه ذکر شد یکی از اسباب انحطاط و عقب ماندگی ایران موقعیت جغرافیایی آن است که ایرانیان را مجبور به موضع گرفتن می کند.

ترقی و تنزل ملت ها علل مختلف دارد. یکی از عوامل انحطاط در ایران مربوط به نواقص سیاسی است که به دولت و حکومت مربوط می شود. غرور و خودپسندی مفرط و همچنین مسرف و لخرج بدترین امراض اخلاق است مثل شاهزاده پرافاده که باید دماغش را پاک کنند و برایش کالسکه ببندند برخی از ما ایرانیان هم مثل شاهزاده مغرور هستیم و به واسطه جراید ملت پرست افراطی عهد اخیر مبتلای آفت خودپسندی ملی شده ایم (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۵۶). از اقدامات کارکنان دولت که موجبات زوال را فراهم می آورد می توان به دخل و دزدی از مال دولت، اخذ رشوه، خرج تراشی برای دولت و امثالهم اشاره کرد (کاوه، ۱۳۸۴: ۶۴۱). در تأیید گفته های مذکور می توان به منابع دیگر نیز رجوع کرد. مثلاً در مورد قضیه نان یک نانواي معروف و بد نام و متقلبی بود که از اعضای عمده اداره "انحصاری نان بلديه" بود. مشهور است که او چند مرتبه در زمان ریاست خود چند نفر را به واسطه مختمصر جرمی در تنور نانوايی سوزانده است. او به واسطه دزدی و غارت مال فقرا متمول شده بود که توسط شخصی کشته شد و نظم مسئله نان سهلتر شد (شوستر، ۱۳۵۱: ۲۱۸). نمونه دیگر آنکه در شیراز ملاهای معروف آنجا اسکناس بانک شاهنشاهی را که انحصار به انگلیس داشت را حکم به نجات نموده و در عوض مسکوکات دولتی گرفتند و همین باعث شد فوج هندی انگلیس در شیراز به اشکال مختلف برای خود آذوقه تهیه کند (شوستر، ۱۳۵۱: ۲۳۰).

علاوه بر انحطاط در سیاست و حکومت بخش های دیگری هم هستند که مربوط به عوام می شود. عوام کسانی هستند که ده خود را مرکز عالم دانسته و بیگانه را دشمن فرض کرده و بین حرف راست و دروغ فرق نمی گذارد. سوء ظن مفرط دارد، به همه حرکات و سکنات مردم معانی عجیب می دهد و چیزهای کوچک را بزرگ استخراج می کند و در روایت مقید به دقت نیست، حقایق را با خرافات مخلوط کرده، به جزئیات بیش از کلیات توجه دارد و بدتر از همه تنگی افق است. مثلاً در بروجرد اگر از رسم ساتی بگویی یا از خوردن قورباغه و رقص مرد و زن در فرنگ تعجب می کنند و لا حول می خوانند اما همین شخص با قمه به مکان عمومی شهر می تازد تا برای ثواب اخروی سرش را بشکافد و یا هر روز زن خود را کتک می زند غافل از اینکه این افعال هم عجیب هستند (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۶۷). نتیجه آن سیاست عوام است. وقتی افرادی از دهات کوچک مثل لشته نشا و ده های بزرگتر مثل تبریز و اصفهان کار سیاست را به دست می گیرند و چند تن از عوام به صرف معمم و فقه و اصول دان مدار سیاست شوند مضحکه ای برای روزنامه های دنیای متمدن می شوند (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۶۸). از ویژگی های دیگر عوام می توان موارد زیر را برشمرد. بی علمی، نبودن راه

صحیح و انتشار امراض فتاک، و وضعیت بد و نامساعد روستاییان، معیوبی فوق العاده ی آلت معرفت یا همان الفبای عربی، نبودن تربیت زنان و زندانی بودن آنها، عدم انتشار علم و تربیت. از همه مهمتر دو علت دیگر است یکی غفلت عامه از ورزش بدنی که مایه اصلی و اساسی قوت اجتماعی ملت‌های فرنگ است و دوم نداشتن اشخاص ماهر در هر فن و نیروی متخصص است چون اطلاعات عمومی از هر چیز دداشتن و همه چیزدان بودن فقط به درد مدعیان جاهل می خورد. در ایران خصوصاً همه در اظهار فضل از هم سبقت می جویند خصوصاً در اصطلاحات سیاسی و علم حقوق. در هر ولایتی صد نفر سیاسی دان نشسته ولی یک بیطار که از قتل عام گاوها جلوگیری کند وجود ندارد یا بتواند امراض را تشخیص دهد. یکی از افکار عمومی که در بین عوام رواج دارد این است که زمین را روی شاخ گاو و دجال را در چاه اصفهان می دانند (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۵۰). تلاش نشریه کاوه در دوره جدید که نتایج جنگ جهانی نیز مشخص شده بالا بردن معرفت عمومی و جنگ با تعصب و جهل و غرور و خودپسندی بی معنی و وطن پرستی غلط و خام و وحشیگری اعلام شده که در ایران اکثریت دارد ولی علم و تربیت در اقلیت است. در جمع بندی می توان گفت فرق اصلی در ترقی غرب و عقب ماندگی ما در مایه و پایه معرفت عمومی ملت و درجه روشنی عقول اجتماعی است.

در تهران نیز برای نویسندگان و خوانندگان جراید که عموماً سیاست پیشه هستند مهمترین اخبار کار کابینه و هیئت وزرای مجلس است. سیاسی گری به مرضی وخیم تبدیل شده که مردم را از کسب و کار انداخته است. از طرف دیگر سیاست چی ها نیز عموماً معممینی هستند که از طریق سیاست پیشگی و کابینه بازی و حوزه سازی کسب معیشت می کنند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۰۱). فارغ از نقش روحانیون در انقلاب مشروطه می توان نتیجه گرفت که آنها از نتایج مشروطه بهره مند شدند بطوری که بخش عظیمی از مجلس و کابینه ها در ید قدرت آنها بود.

تعلیم عمومی از نظر نویسندگان نشریه کاوه تنها راه نجات و اصلاح است که بارها در مقالات مختلف تکرار شده است. هر تلاش دیگری اتلاف و اسراف سرمایه روحی و معنوی است و مثل کاسه آبی است که در کویر می ریزیم. دلیلش آن است که برای ترقی و تمدن و اصلاح دستگاه دولت هنوز اجزای کافی نداریم مثل این است که دو نفر بخواهند تونلی برای راه آهن بکنند. باید سرمایه مختصری که داریم اتلاف نکنیم و در راه تعلیم عمومی هزینه کنیم. تقی زاده آینده نگری کرده و می خواهد با تعلیم عمومی بذر کافی برای ترقی هر ساله ی کشورمان ذخیره کنیم. بدون تعلیم عمومی پایه ترقی مملکت در همین حالت می ماند و هیچ اقدام سیاسی نتیجه نمی دهد و استقلال کشور به خطر افتاده و رو به انحطاط می رود (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۹۸). راه علاج اقبال عامه به تربیت و تعلیم عمومی است. باید سیاسیون و کارکنان مملکت مردم را در عمل به این امر مهم تشویق کنند و تجار در وصیت هایشان بخشی از دارایی را به تاسیس مدارس اختصاص دهد. بخشی از مال زکات برای مدرسه گذاشته شود. هزینه های شخصی و بی فایده مثل سفر شاهان به فرنگ و مستمری ها و افطاری ها و کابینه تراشی مانع از سرمایه گذاری در تعلیم عمومی می شود.

### فرهنگ کار در بین مردم از دیدگاه کاوه

چنان که در روزنامه کاوه آمده مردم ایران تن به کار نمی دهند و کسانی هم که شاغل هستند درآمدشان فراتر از میزان کاری است که باید انجام دهند. حتی در مورد بعد از مشروطه هم شرایط بر همین منوال پیش رفته

است. بدبخت ترین مخلوقات دنیا کسانی هستند که با وجود فقر و جهل و نبود عقل و کانون امراض و دشت بی آب و بی راه برای گذراندن وقت پای وافور و منقل هستند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۳۶). تفاوت ایرانی ها با غربی ها در این است که آنها فراوان کار می کنند اما در ایران علاوه بر مدر سین حوزه علمیه درباب فقه پیشه های مختلفی است که صاحبان آنها بدون کار کردن بار زندگیشان بر گردن مردم است. علاوه بر درویش ها و رمالها و دعانویس ها و جن گیرها مفت خورهای عجیبی هم هستند مثل پیشه سیاست بازی و کابینه سازی که جلودار افکار مردم هستند و غلیانی در افکار ملت علیه کابینه وقت (یعنی بر ضد هیئت وزرا) پیدا می شود و گرچه در کار بسیار تنبل و نالایق هستند با همدست کردن بازاریها و مسجدیها و منبری ها دولت را مجبور به دادن کار به آنها در اوقاف و وزارت خانه ها می کنند که باید از دستمزد برزگر به خوانین قمارباز بیکار و تنبل مواجب بدهند. بخش زیادی از ایلات مملکت نیز از پیشه دزدی و راهزنی زندگی می کنند (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۸۸).

طبقه ای دیگر هم هستند که پیشه آنها گریاندن مردم است و ملت کم طالع هم غصه و جزع را اسباب سعادت خود می داند. این فقره در کل دنیا منحصر به فرد است. احداث روح عزا و ماتم در نفوس ملت و استفاده مالی و کسب معیشت از این طریق مطابق هیچ دیانتی نیست و روح ملی را خفه می کند (کاوه، ۱۳۸۴: ۳۸۸). نتیجه همه این ها چهره های ترش و پر چین و چروک است و موسیقی ملی حزن انگیز. بعلاوه مصائب سیاسی و ملی موجب گریه پارلمان و هیئت وزرا می شود. در مملکت ما گریه و زاری آبرومند و گریه فروشها محترم و برعکس خنده جلف و سبک و اهل طرب منفور و کم قدرند. برعکس فرنگستان که فقط با علم کارشان را اداره می کنند در اینجا با تغییر اسامی و القاب و یا با ترتیب مجلس روضه و یا تغییر نام ادارات به اعتراضات پاسخ می دهیم. مثلا دیوانخانه را به عدلیه عربی و سپس پارک ی فرنگی تغییر دادیم و از این الفاظ نوظهور امید اصلاح داریم. نظمی را پلیس نامیدیم به این امید که با تغییر لفظ، روح آن هم فرنگی شود. بعد از مشروطه آژان فرانسوی را جایگزین محتسب و پلیس کردیم. طبق خبری از جراید اداره نظمی در قم برای کشف سرقت ها از یک جن گیر کمک می گیرد (کاوه، ۱۳۸۴: ۲۸۹). بست نشینی هم یکی از اسباب معمول غوغا راه انداختن است. تقی زاده می گوید اگر بجای اولیای امور تهران بود حقوق نظمی قم را کاسته و بجای آن مدرسه ملی تاسیس می کرد.

از نظر علمی، ایران نسبت به اروپا تقریبا پنجاه یا هشتاد سال عقب تر است و تحقیقی که امروز در ایران انجام گرفته پنجاه سال قبل در اروپا انجام شده است. تقی زاده یکی از دلایل آن را نبودن ترجمه منظم و مستمر از کتب جدید فرنگ و دایر نبودن خطابه های علمی می داند (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۷۶). در ایران امروزه روش اهل سیاست این است که کتاب نخوانند و از معده حرف بزنند. در میان سیاست چی های ایران دو از صد نیست که معتقد به کتاب خواندن باشد و گمان می برند همه کمال و علم در روزنامه های سیاسی مندرج است. حیرت نویسندگان کاوه از این است که سیاست چی های ایران با آنکه نادان ترین مردم به اغلب علوم حتی ابتدایی هستند در نظر عامه از هر معلم و عالمی بیشتر مورد قبول هستند. از ظهور مشروطه به بعد از مقدار کتب کاسته و بر جراید افزوده شده است که یکی از آثار و اسباب انحطاط معرفت عمومی است (کاوه، ۱۳۸۴: ۴۷۶). از این اظهارات مشخص می شود نتیجه ای که از مشروطه انتظار می رفت برقرار نشده است.

به دلیل پرداخت رسید به مشتری پیش از گرفتن هزینه، باعث شده برخی از روزنامه ها به خریدار اصلی خود نرسند. به گفته روزنامه کاوه، وکلای کاوه باید ابتدا وجه نقد را از مشتری بگیرند و بعد قبض و وصول روزنامه

را به آنها بدهند و گویا وکلا به این اصل، محض رودربایستی پایبند نبوده اند و روزنامه کاوه هیچ مسئولیتی در قبال آن ندارد (کاوه، ۱۳۸۴: ۵۷۳). همچنین بخاطر بی نظمی پست خانه ها اداره کاوه نامه ای به اداره مرکزی پست ایران فرستاده و درخواست کرده تا مقصرین نرسیدن روزنامه به دست مشتریان مجازات شوند. بعلاوه که تعداد نسخه های روزنامه در حین ارسال کاسته می شوند. نویسندگان کاوه از ریاست اداره پست خواهان توجه به این امر هستند (کاوه، ۱۳۸۴: ۵۹۷). کم کاری ادارات و عدم نظارت و مدیریت در جامعه کاملا آشکار است اما در مورد اینکه میزان اشتغال و شرایط مهیا برای کار صحبتی نشده است.

ناامیدی از مشروطه و نتایج ناکارآمد آن از انتقاداتی که در کاوه از هیئت وزرا و کابینه سازی درج شده آشکار می شود. نشریه کاوه بر پایه دو نگرش شکل گرفت. در دوره قدیم انتشار کاوه که همزمان با جنگ جهانی اول بود همه تلاش و اهداف نشریه مذکور بر حفظ استقلال کشور از روس و انگلیس و دیگر قدرت های خارجی متمرکز بود. با خاتمه یافتن جنگ و بیرون رفتن نیروهای نظامی روس و انگلیس از ایران، بحث ترقی و پیشرفت کشور مطرح شد و برای پیشبرد این هدف تعلیم عمومی و آگاهی عمومی در اولویت قرار گرفت. رویکرد مردم شناسانه در روزنامه کاوه نشان می دهد فقر فرهنگی بزرگترین معضل ایران بوده که تنها محدود به سیاسیون و بزرگان کشور نمی شود بلکه در بین عامه مردم نیز فراگیر بوده و اکثریت جامعه به آن دچار هستند. نویسندگان کاوه از کسانی که واسطه و انتقال دهنده آگاهی به مردم هستند گله و شکایت دارند. نگرانی کاوه از این که جای تأمل عقلانی و منطقی در ایران خالی است و تربیون در دست مذهبیین فقه محور و متعصبین و افراطیون است کاملاً عیان است. فرضیه ای که می توان مطرح کرد این است که بعید نیست اقدامات رضاشاه پهلوی در دوره های بعدی تحت تأثیر نگرش روزنامه هایی مثل کاوه بوده باشد، گرچه در دوره های بعدی برخی از نظرات تقی زاده مدیر نشریه کاوه با اقدامات رضاشاه در تعارض بود. بین دیدگاههای نشریه کاوه و رضاشاه نقطه مشترکی وجود دارد و آن دغدغه ترقی و پیشرفت کشور است که باید در جهت وصول به این مهم در راستا و همسو با غرب پیش رفت.

- (۱۳۸۴). روزنامه کاوه، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، فهرست مندرجات: ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نی.
- جمال زاده، محمد علی. (۱۳۷۶). گنج شایگان؛ اوضاع اقتصادی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- زریاب خویی و افشار، عباس و ایرج. (۱۳۷۱). نامه های براون به سیدحسن تقی زاده، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- لستین، ژرژ. (۱۳۴۳). جنگ اول جهانی، امینی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی.
- تیلر، ای. جی. پی. (۱۳۷۴). جنگ جهانی اول، بهرام فرداد امینی، تهران، علمی و فرهنگی.
- شیبانی، عبدالحسین (وحیدالملک). (۱۳۷۸). خاطرات مهاجرت از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، تهران، شیرازه.
- بهار، ملک الشعرا. (۱۳۵۷). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱ (انقراض قاجاریه)، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی چاپ سپهر.
- شوستر، دبلیو مورگان. (۱۳۵۱). اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، بی جا، بی نا.
- (۱۳۶۳). کتاب سبز؛ مجموعه اسناد تاریخی، تهران، شرکت سهامی خاص.
- شوستر، دبلیو مورگان. (۱۳۵۱). اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، بی جا، بی نا.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۵). نگاهی به کارنامه و زمانه کارگران مهاجر هندی در صنعت نفت ایران، فصلنامه علمی تخصصی تاریخ مردم، شماره یکم.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۰). مبانی انسان شناسی، تهران، نشر نی.
- افشار، ایرج (۱۳۶۸): زندگی طوفانی (خاطرات سید حسن تقی زاده). تهران: انتشارات علمی
- افشار، محمود (۱۳۷۴):
- آبادیان، حسین (۱۳۸۴): فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم شماره اول، پیاپی بیست و یکم